

سه حما انزو

امیر شاهد



نام آنزو داشت. آنزو قدرتمند و پر صلابت بود و وظیفه نگهبانی خانه انلیل (Enlil) خدای زمین سومری‌ها به عهده او گذاشته شده بود. از روی نقوش برجسته موجود در کاخهای پادشاهان آشوری می‌توان به بخشی از وظایف آنزو در خانواده خدایان سومری پی برد. پادشاهان آشوری که می‌خواستند به محل زندگی خود تقدسی الهی بدهند، کاخهایشان را شبیه خانه خدایان می‌ساختند.

در روزگاران قدیم در کشور آشور شاه قدرتمندی به نام آشور بانی‌پال زندگی می‌کرد. او در فاصله سالهای ۶۶۸ تا ۶۳۳ پیش از میلاد یعنی به مدت ۳۵ سال سلطنت کرد. در عهد او فرهنگ آشور به اوج رفعت رسید.^۱ او مالک بزرگترین کتابخانه‌ای بوده که از جهان باستان برای ما باقی مانده است. آشور بانی‌پال، خردمندانه نویسندگانی استخدام کرد و به آنها دستور داد که سرگذشت و تاریخ پیشینیان را از لابه‌لای متون باستان جمع‌آوری و به آشوری ترجمه کنند، سپس نسخه‌هایی از آنها را تهیه و در مخزن کتابخانه متصل به کاخ خود در شهر «نینوا» نگهداری نمود. نینوای آن روز در شمال عراق و در حوالی موصل کنونی قرار داشته است. هزاران لوح گلی کتابخانه این شاه فرهیخته، میراثی است که امروز به ما رسیده است.^۲ در میان گل‌نوشته‌های این کتابخانه عظیم، داستانی حماسی درباره خدای کوچکی به نام آنزو^۳ (Anzu) وجود دارد. این قصه در کتیبه‌های سومری ۴۱۰۰ تا ۳۸۰۰ سال پیش هم ضبط شده است.^۴

آنو (Anu) خدای آسمان سومری‌ها، پسری به

۱- دایرةالمعارف فارسی، ذیل آشور.

۲- سفیر انگلستان در امپراتوری عثمانی به نام لایارد، در سالهای ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ در تپه قویونجیک در موصل کنونی، این مجموعه را که پس از گذشت بیش از ۲۶ قرن تقریباً سالم و دست نخورده باقی مانده است، پیدا کرد و به موزه بریتانیا برد. (کلیات تاریخ عمومی، ج ۱، صص ۷۶، ۷۷، ۸۳ و ۸۴) این کتابخانه، حاوی ۳۰۰۰۰ لوحه طبقه‌بندی شده و فهرست‌دار بوده است. قصد آشور بانی‌پال بنا بر اظهار خود وی آن بوده است که ادبیات بابلی را از خطر فراموشی محفوظ نگاه دارد. (تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۲۵)

۳- برای مطالعه متن فارسی حماسه آنزو ر. ک. اسطوره‌های بین‌النهرین، صص ۹۱ تا ۹۵.

۴- الواح بابل، ص ۱۷۶.

خود را به رخ تازه‌واردها بکشند. یعنی اینکه واردشونده‌ها مادام که در آن مکان هستند، در امان قانون‌اند.

در داستان انزو می‌خوانیم که انلیل، خدای بزرگ زمین به دلیل در اختیار داشتن لوح تقدیر بسیار قدرتمند بود و به همین دلیل انزو، نگهبان او «آزمندانه و با حسادت به او می‌نگریست.» تا اینکه یک روز «هنگامی که انلیل داشت در آب مقدس حمام می‌کرد»^۸، انزو برای غصب قدرت او، لوح تقدیر او را می‌دزدد و در کوه‌های غیر قابل دسترس مخفی می‌شود. وقتی انزو نگهبانی از کاخ انلیل را رها کرد و به کوه‌ها گریخت، آیین‌ها رها شدند و شهر دچار هرج و مرج و توخس^۹ شد.

این قسمت حماسه انزو باید الهام‌بخش آن داستانی باشد که شیطان، مدتی انگشتی خاتم حضرت سلیمان^(ع) را دزدید و کشور سلیمان و مردم آنجا دچار هرج و مرج و بی بند و باری شدند... ماجرای که حافظ هم به آن اشاره‌ای دارد:

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم

که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد^{۱۰}



تصویر (۱) انزو دارای سر و بالهای «هما» و اندام انسانی

(از کتاب فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ص ۱۴۴)

بنا بر این از جمله کارهای آنها این بود که مجسمه انزو را در کاخ خود، به همان شکلی که فکر می‌کردند در خانه خدا وجود دارد نصب می‌کردند. همان‌طور که در طرح شماره یک^۵ می‌بینید، انزو اگرچه دارای اندام نیرومند انسانی و سر و بالهای هما (نوعی پرنده شکاری) است، سطل کوچکی که محتوی گلاب یا روغن مقدس است در یک دست و لیفی در دست دیگر دارد که با آنها تازه‌واردها و کاخ مقدس انلیل را تطهیر^۶ می‌کند.

برخورد خوش انزو با واردشوندگان که با گلابدان و چهره‌ای آرام، ابراز می‌شود و اینکه این نگهبان سلاحی در دست نداشته است، گویای این نکته است که شاهان آشوری با نصب این مجسمه در کاخهای خود در عین حال می‌خواستند انزو واردشوندگان را به در امان بودن از عذابهای تصادفی و غضب‌های بی‌دلیل، خاطر جمع کنند. به عبارتی دیگر، این مجسمه مظهر وجود امنیت و نشانه مکانهای امن^۷ بوده است. شاهان آشوری با این کار می‌خواستند قوانین مدنی حاکم بر شهرهای

۵- این طرح‌ها را به استثنای طرح‌های ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳/۱، ۱۳/۲، ۱۴، ۱۵/۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱ که در خود مراجع وجود داشتند، آقای سپهر امیرپور عیناً از روی عکس کشیده است.
۶- کار تطهیر مکانهای مقدس، در میان اقوام دیگر باستانی نیز رواج داشته است. در قرآن مجید نیز به حضرت ابراهیم^(ع) و حضرت اسماعیل^(ع) امر می‌شود که خانه خدا را برای طواف‌کنندگان، معتکف‌ها و رکوع و سجود کنندگان تطهیر نمایند. (بقره/۱۲۵)

۷- مفهوم آیات «ادخلوها بسلام آمنین» (حجر / ۲۶)، به سلامتی و در ایمنی، وارد آنجا بشوید. و «ادخلوا مصر ان شاء الله آمنین» (یوسف / ۹۹)، انشاء الله، در ایمنی وارد مصر شوید. در روزگار باستان باید تفکر برانگیزتر از امروز بوده باشد. ما همچنین به وفور با مفهوم «بند امن» به عنوان شرط اصلی مراکز تجاری و مذهبی در تمدن‌های باستانی بر می‌خوریم. «قبة نجران» در یمن، مثلی عربی برای شهرهای امن بوده که مرحوم میدانی نیشابوری هم به آن اشاره کرده است. قرآن مجید هم در موارد متعددی از شهر مقدس مکه به عنوان بلد امن یاد کرده است. (بقره / ۱۲۵، ابراهیم / ۳۵ و تین / ۳)

۸- اسطوره‌های بین‌النهرین، ص ۹۲.
۹- علی اصغر حکمت، در پایورقی صفحه ۱۷۵ و ۱۷۶ الواح بابل، از انزو با عنوان الهه تشویش و بی‌نظمی یاد می‌کند.

۱۰- حافظ، ص ۱۸۱.



تصویر (۳/۱) اثر یک مهر استوانه‌ای که نینورته را
کمان‌کشیده در حال دنبال کردن انزوی پرنده نشان می‌دهد.
(از کتاب اسطوره‌های بین‌النهرین)



تصویر (۲) آدد خدای رعد و برق

(از کتاب فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ص ۱۲۲)



تصویر (۳/۲) نینورته در حال جنگ با انزوی منافق
(از کتاب اسطوره‌های بین‌النهرین، ص ۹۱)

خدای آسمان به دو خدای دیگر نیز که یکی از آنها
سلاحش آتش بود این امانت را عرضه می‌کند. اما
آن دو نیز می‌ترسند و ابا می‌کنند. ولی
نینورته (Ninorta) خدای جنگ، که اندام و سری
انسانی دارد و دارای اعجازهای نیرومند است
این وظیفه را می‌پذیرد. رعد را از آدد می‌گیرد،
با آن انزو را می‌کشد، لوح تقدیر را به انلیل
باز می‌گرداند و نگاهی را خود به عهده می‌گیرد.
(طرح شماره ۳/۱ که اثر یک مهر استوانه‌ای است
نینورته را کمان‌کشیده در حال تعقیب انزوی
پرنده نشان می‌دهد و طرح شماره ۳/۲،
نینورته را در حال جدال با انزو نشان می‌دهد).

این نکته که همزمان با اینکه انزو محل خدمت
خود را ترک می‌کند آیین‌ها رها می‌شوند و شهر
دچار هرج و مرج و توخش می‌شود، نقش امنیتی او
را برجسته‌تر می‌کند. در دنباله ماجرای انزو
می‌خوانیم که آنو خدای آسمان سومری و پدر انزو
حکم اعدام او را صادر می‌کند و به دنبال کسی
می‌گردد که این عذاب الهی را بر ضد انزوی
شورش‌آمیز اجرا کند و وظیفه بازگرداندن امنیت به
شهر را به عهده گیرد. خدای آسمان، نخست به
سراغ آدد پسر دیگرش می‌رود و از او می‌خواهد که
با سلاح خود یعنی رعد و برق انزو را از پای در
آورد. اما آدد (طرح شماره دو) می‌ترسد و ابا می‌کند.



تصویر (۶) نقش یک مهر عیلامی از هزاره سوم پ م.
(از کتاب دنیای گمشده عیلام، ص ۱۹۵)



تصویر (۴) نیپورته پس از کشتن انزو جای او را می‌گیرد
(از کتاب فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ص ۱۲۴)

و بنابراین نینورته امنیت را به شهر باز می‌گرداند.^{۱۱} (طرح شماره چهار)
از برکت زحمات آشور بانی پال، که این قصه را استنساخ و در کتابخانه‌اش نگهداری کرده است، ما امروز می‌توانیم برخی دیگر از نقوش سنگی باقی مانده از جهان باستان را با دقت بیشتری تعبیر و تفسیر کنیم. همچنین با مطالعه ویژگی‌های مجسمه‌های دیگر دارای «وظیفه» و «نقش» مشابه آنزو و دقت در زمان و مکان ساخت و نصب آنها، به شرح بیشتری درباره این اسطوره و وسعت جغرافیایی و گستردگی زمانی اعتقاد به آن دست می‌یابیم:

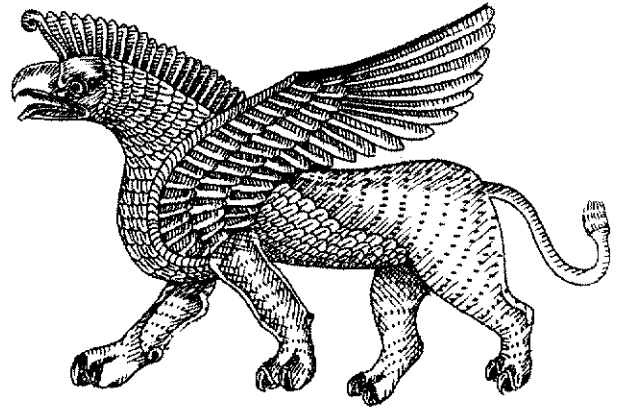


تصویر (۵) مجسمه کوچک موجود در موزه لوور پاریس و شبیه به ابوالهول جیزه حدود ۲۶۵۰ پیش از میلاد، فرمانروایی جفرع (جفرن)، تصویر از مجموعه شخصی

۱۱- در قرآن مجید نیز آیاتی وجود دارد که توجه به آنها در اینجا لازم است: *بسم الله الرحمن الرحيم. انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فأبين ان يحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه كان ظلوماً جهولاً ليعذب الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفوراً رحيماً.* (احزاب/ ۷۲ و ۷۳) قرآن مجید می‌فرماید: «ما آن امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم [آنها] از تحمل آن امتناع کردند و ترسیدند، و انسان آن را حمل کرد [همانا او] ستم‌پیشه و جاهل بود. تا خدا منافقان و زنان منافق و مشرکان و زنان مشرکه را عذاب نموده بر مؤمنین و زنان با ایمان بیخشايد و خدا همواره آمرزگار و رحيم بوده است.» (المیزان، ج. ۱۶، ص. ۵۴۱. با این تفاوت که به جای «همانا او» «چون انسان» آورده است.)
برخی امانت را به توحید و برخی دیگر به ولایت حضرت علی^(ع) تفسیر کرده‌اند. اما این نکته که پذیرش و حمل امانت توسط انسان موجب اجرای عذاب الهی بر ضد منافق‌ها و مشرکها و پذیرش توبه مؤمن‌ها شده است، این سؤال را در ذهن متبادر می‌کند که آیا «امانت» در این آیه به معنای «امنیت» نبوده است.



تصویر (۹) نقش قوری نقره با لوله طلا، مارلیک، نیمه دوم هزاره دوم پ.م. (از کتاب ظروف فلزی مارلیک، ص ۱۲۷)

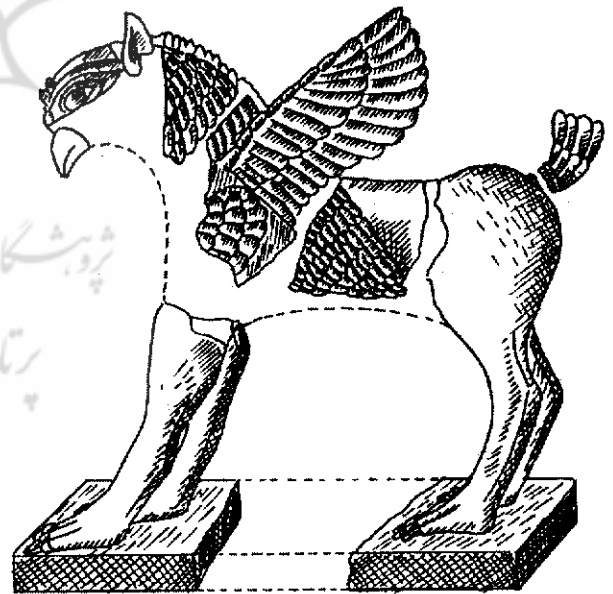


تصویر (۷) تصویر شیردال بر روی لیوان طلا، مارلیک، اواخر هزاره دوم پ.م. (از کتاب ظروف فلزی مارلیک، ص ۲۵۳)

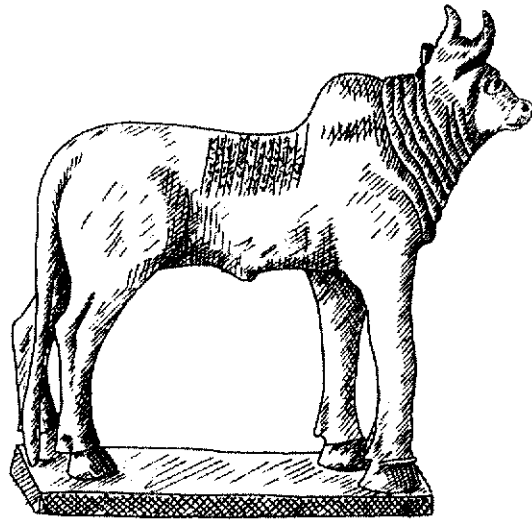
مجسمه عظیم ابوالهول که در کنار دروازه شهر جیزه مصر در حدود ۴۶۰۰ سال پیش نصب شده است، با اندام قدرتمند و چهره آرام بخش خود، باید از اولین نمونه‌هایی باشد که وجود آن دلیل وجود تمدن در یک مکان - در اینجا شهر جیزه - و نشان‌دهنده تفاوت آشکار آن با توحش حاکم بر قبایل مهاجم و صحراگرد باشد. ابوالهول باید الهام بخش سازندگان انزو باشد. زیرا دارای همان نقشی است که انزو پیش از شورش داشته است. (طرح شماره پنج، از روی عکس مجسمه کوچکی از آن است.)

مجسمه عیلامی شیردال (ترکیبی از دو کلمه شیر و دال به معنی هما) متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد (طرح شماره شش) و نقش جام مارلیک متعلق به ۳۲۰۰ سال پیش (طرح شماره هفت)، همچنین دو خدای نگهبان در ورودی چغازنبیل (متعلق به نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد)، یکی با سر و بال عقاب با دم اسب، فلس ماهی و پاهای گورکن که همه اشاره به این دارد که واردشونده‌ها را در آسمان و صحرا و دریا و اعماق زمین در امان خود می‌گیرد. (طرح شماره هشت) و دومی که صفات آن با گوساله سامری قرآن بسیار شبیه است. (طرح شماره ۱۰)

در نمونه دیگری از نقش شیردال که بر روی یکی از ظروف فلزی مارلیک نقر شده است، وجود سینه‌های انسانی نشان‌دهنده سعه صدر این خدا می‌باشد. (طرح شماره نه)



تصویر (۸) علامت رسمی هوایمایی ملی ایران (هما) مجسمه سفالی با لعاب آبی‌رنگ، خدای ایستاده در کنار دروازه شمال غربی چغازنبیل، با کتیبه‌ای بر گنجل آن نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد (از کتاب چغازنبیل، دوراوتاش، ۱۳۷۳، ص ۲۷۳)



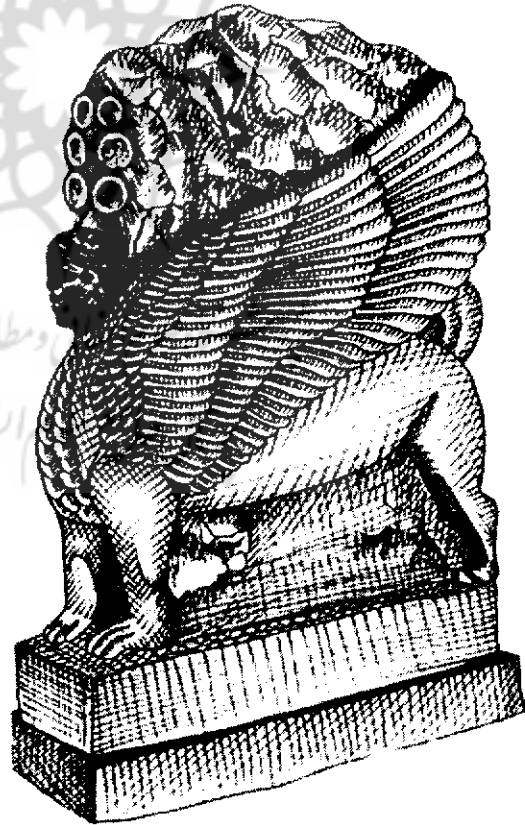
تصویر (۱۰) گاو نر کوهان‌دار از گل پخته لمبادار، خدای ایستاده در کنار دروازه شمال شرقی چغازنبیل، با کتیبه‌ای از اونتاش‌گل برگرده آن، تکه‌های شکسته این مجسمه را خانم گیرشمن ظرف یک سال از میان تپه‌ای از خاک جست‌وجو و سر هم کرد. (از کتاب چغازنبیل، ص ۲۷۲)



تصویر (۱۱) نقش برجسته ابوالهول جتی‌ها، موزه آنکارا با تاج سپید مصر علیا، (از کتاب هیتی‌ها، ص ۲۰۳)

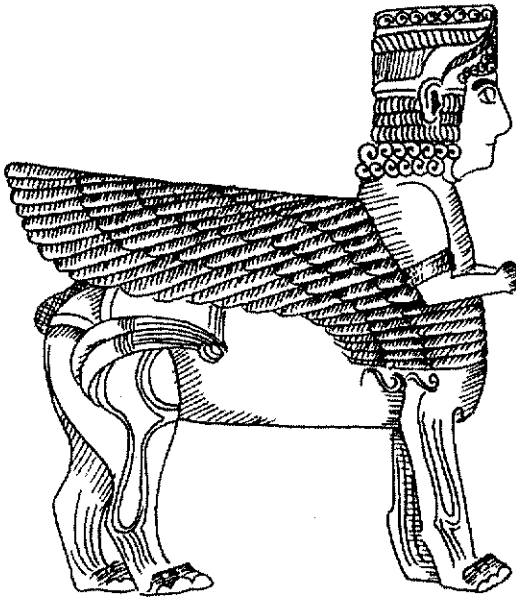
از نمونه‌های دیگر، دو مجسمه جتیایی^{۱۲} است متعلق به ۳۰۵۰ تا ۲۸۵۰ سال پیش (طرح‌های شماره یازده و دوازده) و نیز گاو پنج‌پای آشوری با تاج شاخدار، سر انسان و بال لاشخور در حدود ۲۹۰۰ سال پیش (طرح شماره سیزده) نام این خدا در قاموس کتاب مقدس، آذرْمَ مَلِک و به معنی «جلال پادشاه» آورده شده است.^{۱۳}

این نکته‌ای جالب توجه است، زیرا امنیت در شاهنشاهی‌های شرقی در پناه جلال پادشاه تحقق می‌یافته است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که این مجسمه، تازه واردها را به اینکه در پناه جلال پادشاه هستند، خاطر جمع می‌کرده است. قابل ذکر است که نویسندگان تورات هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی به شاهان آشور بسیار نزدیک بوده‌اند و از آنجا که برخی از انبیای بنی اسرائیل تربیت‌شدگان دربار شاهان بین‌النهرین



تصویر (۱۲) خدای نگهبان در ورودی جتیایی (از کتاب هیتی‌ها، ص ۲۲۴)

۱۲- در این گزارش نامهای «عیلام» و «جتی»، برای احترام به شیوه نگارش متون قدیمی تر فارسی، با همین املا نوشته شده‌اند، اما آنجا که «ایلام» و «هیتی» نام خاص یک کتاب بودند به ناگزیر به صورت ایلام و هیتی آورده شدند.
۱۳- قاموس کتاب مقدس، ذیل ادرم‌ملک.



تصویر (۱۴) مجسمه شیر با سر انسان اورارتویی
(از کتاب اورارتو، شماره ۱۹)

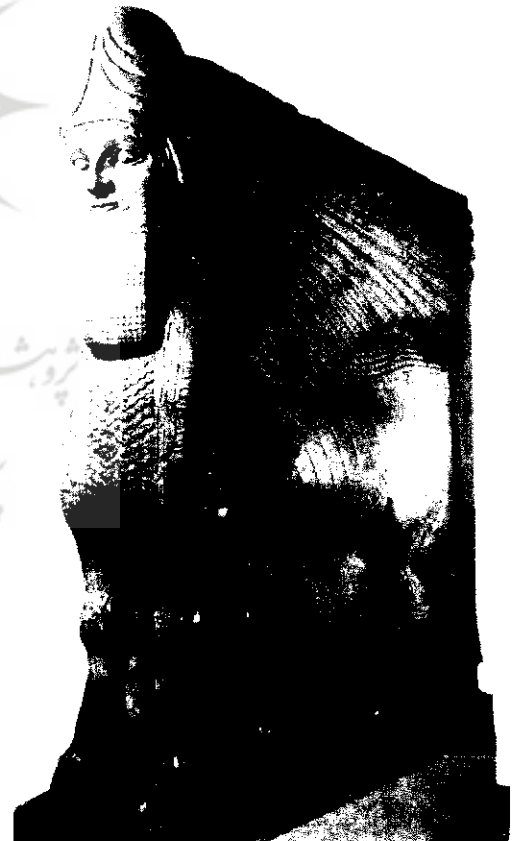


تصویر (۱۳/۱) گاو بالدار با سر انسان (لاماسو) از سنگ
مرمر از کاخ سارگون دوم، پادشاه آشور، در خُرساباد،
(از کتاب تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۱، لوح ۱۶/۲)

بودند^{۱۴} این احتمال که «جلال پادشاه» ترجمه دقیق‌ی از نام انزو باشد بیشتر قوت می‌گیرد. جلال پادشاه همان عاملی است که هیبت آن شهر آشوری را در امنیت نگاه می‌داشته است. بنابراین ما حق داریم انزو را در اسطوره‌های بین‌النهرینی پیش از آنکه نافرمانی کند خدا و مظهر امنیت بدانیم.^{۱۵} نقش دیگر مربوط است به مجسمه شیر با سر انسان اورارتویی متعلق به ۲۸۰۰ سال پیش (طرح شماره چهارده)

۱۴- ... پادشاه بابل... بعضی از بنی اسرائیل... جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکو منظر و در هر گونه حکمت ماهر و به علم دانا و به فنون فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند... پادشاه... (امر فرمود) که ایشان را سه سال تربیت نمایند و بعد از انقضای آن مدت در حضور پادشاه حاضر شوند و در میان ایشان دانیال و... عزریا از بنی یهودا بودند. (کتاب مقدس، کتاب دانیال نبی، باب اول، آیات ۳ تا ۱۶)

۱۵- به همه اینها این نکته را هم اضافه می‌کنیم که مرحوم معین در حاشیه برهان قاطع ذیل کلمه شهر، واژه شهر [یعنی مدینه یعنی ریشه واژه تمدن] را از ریشه xshiy به معنی شاهی کردن و فرمان دادن دانسته است.



تصویر (۱۳/۲) گاو بالدار با سر انسان (لاماسو) در دروازه
کاخ آشور نظیرپال دوم، در خُرساباد، ۸۶۵ پیش از میلاد.
(از کتاب تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج ۱، لوح ۱۴/۱)



تصویر (۱۵/۲) تخت جمشید، گاو نر بالدار با سر انسانی در دروازه خشایارشا

تصویر (۱۵/۱) تخت جمشید، گاو نر بالدار با سر انسانی در دروازه خشایارشا، (از کتاب ایران، از آغاز تا اسلام)

۱۶- حسین شهیدی می‌نویسد: در فرهنگ پنج زبانه آبراهامیان ذیل گوپت (gopet) آمده: «نام موجودی نیم‌انسان - نیم‌گاو» (آبراهامیان، فرهنگ پنج زبانه پهلوی، فارسی، ارمنی، انگلیسی و روسی، صص ۱۵۹ و ۱۶۰. در مسنوی خرد، پرسش ۶۱، بند ۸، آمده است: «گوپد شاه به کدام جای است؟» و در بند ۳۱ همان پرسش می‌گوید: «گوپد شاه... از پای تا نیمه تن گاو و از نیمه تن تا بالا انسان است...» (همان، صص ۷۹ و ۸۱)

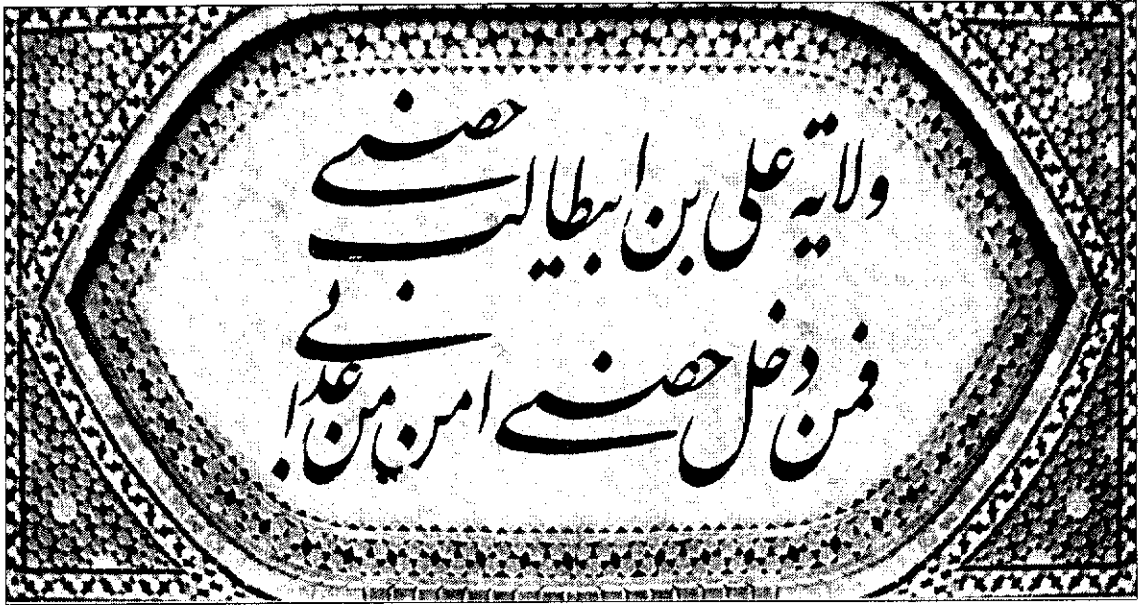
۱۷- فرهنگ اساطیر مصر، ص ۲۵.

۱۸- تاریخ و تمدن ایلام، ص ۵۲ و نیز دنیای گمشده ایلام، صص ۵۲ تا ۵۵.

۱۹- دنیای گمشده ایلام، ص ۵۵.

۲۰- فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی...، ص ۱۲۱، کتیبه Xph. احتمال خدایی جهان زیرین برای ارته از این جهت محتمل است که خشایارشا در عبارتی که سخن از شادی در زندگی و خجستگی در هنگام مرگ می‌شود به ترتیب نامهای اهورامزدا و ارته را آورده است.

مجسمه‌ای بسیار شبیه به گاو بالدار آشوری با چهار پا در کنار در ورودی کاخ خشایارشا^{۱۶} (طرح شماره پانزده)، بدون شک خشایارشا که این مجسمه را در قرن پنجم پیش از میلاد در ایوان کاخ خود نصب کرد، از مفهوم مذهبی آن خیر داشت. همه اینها دارای نقش، وظیفه و مسؤلیت تضمین امنیت مکانهایی هستند که از آنها نگهداری می‌کنند. خدایان قدیمی با ظهور مذاهب توحیدی جایشان را به فرشته‌هایی در زیر دستهای خداوند یکتا داده‌اند. ازیریس مصری،^{۱۷} اینشوشیناکِ عیلامی،^{۱۸} فرگال سومری^{۱۹} و آرتنه هخامنشی^{۲۰} و... می‌روند و اعتقاد به نکیر و منکر جایشان را می‌گیرد. آدد بابلی می‌رود و اعتقاد به فرشته موگل طوفان می‌آید...



تصویر (۱۶) عبارت سردر بعضی منازل شیعیان

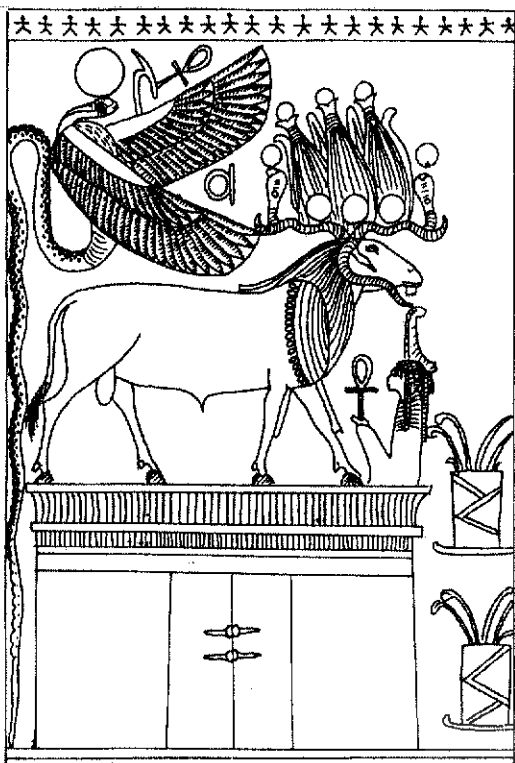
اینک یک سؤال: پس از اسلام این خدای امنیت کجا رفت و چه شد؟ آیا می توان کتاب قرآن مجید را که بالای دروازه قرآن ها می گذاشتند، نشان امنیت دانست؟ بدون شک نه. زیرا به اعتقاد مسلمانها، قرآن مجید تنها کسانی را که وارد شهر می شدند در امان نمی داشت، آنها که رو به بیرون و صحراها داشتند را هم در امان می داشت. پس از اسلام، گفتن لاله الا الله، بیعت با خلیفه و پرداخت جزیه و تسلیم به قوانین اسلامی جای جلال پادشاه را باید می گرفت. در این میان عمل مسلمانها نیز قابل توجه است: آنها عبارت «کلمة لا اله الا الله حسنی، فمن دخل حسنی امن من عذابی» را برای در امان نگاه داشتن ساکنان خانه ها بر سردر محل زندگی خود نصب می کنند. عبارت «ولایة علی بن ابی طالب حسنی، فمن دخل حسنی امن من عذابی» نیز بر سردر محل زندگی شیعیان (تصویر شماره شانزده) قابل توجه است.

با خوانده شدن کتیبه های مربوط به حماسه انزوی، ما اینک می توانیم دو نقش سنگی دیگر ایرانی را هم معنا کنیم: نقش برجسته ای که تاکنون به «جنگ داریوش با حیوان افسانه ای» معروف بوده است،^{۲۱} در واقع، جنگ نینورته است در لباس عیلامی و با همان انزوی سومری! (طرح شماره هفده)



تصویر (۱۷) تخت جمشید، نینورته با آرایشی عیلامی انزورا می کشد. (از کتاب ایران باستان، ج ۱، ص ۶۰۸)

۲۱- ایران باستان، ج ۱، ص ۶۰۸.



تصویر (۱۹) آمون خدای مصری به شکل قوچی سه شاخ، با سه لاله مصری بر سر و دو مار که هر یک گوی خورشیدی را بر سر دارند. (از کتاب اساطیر مصر، ص ۱۴۲)

بر سر هوروس کوچک (طرح شماره بیست) و بر سر اوزیریس خدای مردگان مصری (طرح شماره بیست و یک) هم می توان دید. لباس او هم بابلی یا عیلامی است. این مجسمه می تواند مظهر وحدت مصر، عیلام یا بابل و آشور هم باشد. اگر چنین باشد با اطمینان می توان گفت که این مجسمه و به دنبال آن مجموعه ساختمانی پاسارگاد هم به دست کوروش یا فرزندش کبوجیه ساخته نشده است، زیرا کوروش به مصر نرفت و کبوجیه هم که به مصر دست یافت، پایش به ایران نرسید که مظهر پیروزی هایش را مجسم کند.

این مقاله را پیش از چاپ استادان فاضل سرکار خانم هایده معیری و آقای دکتر عبدالمجید ارفعی خواندند و در جهت اصلاح آن راهنماییهای ارزنده ای کردند که صمیمانه از ایشان سپاسگزارم.

۲۲- از جمله علی سامی در پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی، ص ۹۹.



تصویر (۱۸) نقش سنگی در کنار در ورودی کاخ پاسارگاد، (پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی، ص ۱۰۸)

همچنین نقش برجسته کنار در ورودی کاخ پاسارگاد که تا کنون برخی از باستان شناسان، مجسمه کوروش ذوالقرنین می دانستند،^{۲۲} معلوم می شود که فقط یک خدای خوشامدگو به ساکنان و واردشوندگان به پاسارگاد است. (طرح شماره هجده) زیرا مثل نینورته، ترکیبی از انسان و هما است، در کنار در ورودی پاسارگاد ایستاده است، همچنان که در کنار در ورودی شهرها - نظیر جیزه مصر و دوراوتاش عیلام - یا کاخها - نظیر کاخ نینوای آشور - نمونه های آن نصب شده بودند، و سلاحی در دست ندارد همچنان که هیچ یک از آنها نداشته اند، و بر عکس چهره هایی آرام و لبخندی متین هم دارند. در مجسمه خدای نگهبان پاسارگاد، قرار و آرامشی که شکل بر پا ایستادن مجسمه در بیننده القا می کند شایان توجه است. با کمی دقت بر روی این مجسمه، معلوم می شود که بالهای او را نینورته آشوری هم دارد. تاج شاخدار را بر سر آمون خدایی مصری که به شکل قوچ ظاهر شده است، (طرح شماره نوزده)



شهیدی، حسین. چهارسو و نگرشی کوتاه بر تاریخ و جغرافیای تاریخی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵.

شی‌یرا، ادوارد. الواح بابل، ترجمه علی‌اصغر حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.

قزوینی - غنی. حافظ با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع - جریزه‌دار، انتشارات اساطیر، چ چهارم، تهران، ۱۳۷۱.

انجمن کتاب مقدس، کتاب مقدس، چاپ دوم در ایران، ۱۹۸۷.

گرنی، الیور. هیتی‌ها، ترجمه رقیه بهزادی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۱.

گیرشمن، ر. جفازنبیل، دوراونتاش، جلد اول زیگورات، ترجمه اصغر کریمی، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۳.

گیرشمن، ر. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه مرحوم محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴.

مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.

مجیدزاده، یوسف. تاریخ و تمدن بین‌النهرین، ج اول، (تاریخ سیاسی)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶.

مک‌گال، هنریتا. اسطوره‌های بین‌النهرین، کار مشترک دانشگاه تگزاس و مؤزۀ بریتانیا، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

ممتحن، حسینعلی. کلیات تاریخ عمومی، ج ۱، تاریخ ملل مشرق و یونان و روم، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۰.

نگهبان، عزت‌الله. ظروف فلزی مارلیک، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۶۸.

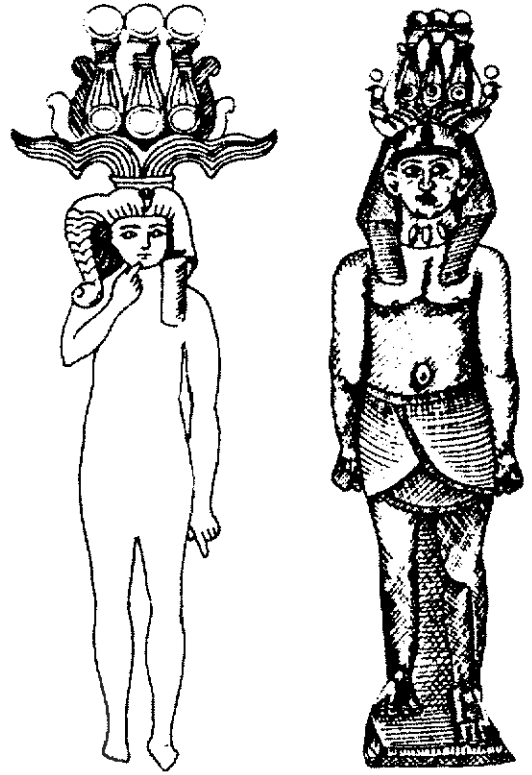
ویل دورانت. تاریخ تمدن، جلد ۱، مشرق زمین، گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.

ویو، ژ. فرهنگ اساطیر مصر، از مجموعه فرهنگ جدید اساطیر لاروس، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، فکر روز، تهران، ۱۳۷۵.

هاکس، جیمز. قاموس کتاب مقدس، اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.

هینتس، والتر. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروزنیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.

Betingham, David, An introduction to Greekmythology, Quantom book, Singapore, 1998.



تصویر (۲۰ - چپ) هوروس کوچک یا هاریوکرات یکی از خدایان مصر باستان، (از کتاب پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی، ص ۱۰۹)

تصویر (۲۱ - راست) اوزیریس خدای مردگان مصری، (از کتاب اساطیر مصر، ص ۸۴)

منابع

ایونس، ورونیکا. اساطیر مصر، باجلان فرخی، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.

پیرنیا، حسن. ایران باستان، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲.

پیوترفسکی، ب. ب. اورارتو، ترجمه عنایت‌الله رضا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

دایرةالمعارف فارسی، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۵.

ژیبران، ف. و دیگران. فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، فکر روز، تهران، ۱۳۷۵.

سامی، علی. پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی (ذوالقرنین)، به کوشش و بازنگاری دکتر غلامرضا وطن‌دوست، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۷۵.

شارپ، رلف نارمن. فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی که به زبان آریایی (پارسی باستان) نوشته شده است، شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی، شیراز، ۱۳۴۶.